

تجرب

انطباق واجی وام واژه های زبان فارسی

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا
افتخار سادات هاشمی

انطباق واجی وام‌واژه‌های زبان فارسی

انطباق واجی وام‌واژه‌های زبان فارسی

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

افتخارسادات هاشمی

دانش آموخته دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

تجرب

تهران ۱۳۹۷

سرشناسه:	کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور:	انطباق واجی وام واژه‌های زبان فارسی / عالیہ کرد زعفرانلو کامبوزیا، افتخارسادات هاشمی.
مشخصات نشر:	تهران: کتاب بهار، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری:	ده، ۱۵۲ ص. : جدول، نمودار.
فروست:	کتاب بهار؛ ۲۴.
شابک:	زبان فارسی و زبان‌شناسی ایرانی: ۹.
وضعیت فهرست‌نویسی:	۳-۳-۹۸۶۱۰-۰۰۰-۶۷۸-۹۷۸
یادداشت:	فبیا.
یادداشت:	واژه‌نامه.
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	فارسی -- واژه‌ها و ترکیبات خارجی.
موضوع:	Persian language -- Foreign words and phrases
موضوع:	فارسی -- واج‌شناسی
موضوع:	Persian language -- phonology
موضوع:	فارسی -- آوانویسی
موضوع:	Persian language -- Transliteration
موضوع:	دستور زبان تطبیقی -- واج‌شناسی
موضوع:	Grammar, Comparative and general -- Phonology
شناسه افزوده:	هاشمی، افتخارسادات، ۱۳۵۹ -
رده‌بندی کتبی:	۱۳۹۷ الف۴/ک۴۴۳/۲۹۲۳ PIR
رده‌بندی دیویی:	۴۶۲/۴
شماره کتابشناسی ملی:	۵۱۷۵۹۴۵

تتمه

تهران: خیابان بهار، کوچه حمید صدیق، شماره ۲۵، واحد ۶ (تلفن: ۷۷۵۲۴۷۸۱)

لواسان: خیابان معلم، شماره ۳۷ (تلفن: ۲۶۵۴۸۲۷۸)

انطباق واجی وام‌واژه‌های زبان فارسی

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا، افتخارسادات هاشمی

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۳۰۰

حروف چینی و صفحه‌آرایی: زهرا رضایی منش، مریم درخشان گلریز

طراحی جلد: پاشا دارایی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ و مخصوص کتاب بهار است

کتاب بهار (0912 122 6008 @ Ketabe_Bahar, ketabebaharpub94@gmail.com)

مرکز پخش: پیام امروز (۶۶۴۸۶۵۳۵)

پیشکش به

مادر، همسر، و فرزندانمان

کامبوزیا - هاشمی

فهرست

بیش گفتار	۱
فصل اول: آشنایی با کلیات	۱
۱.۱ مقدمه	۱
۲.۱ وام‌گیری زبانی و زبان فارسی	۲
۳.۱ روش کار	۲
۴.۱ آشنایی با اصطلاحات پُرکاربرد در کتاب	۵
فصل دوم: آشنایی با نظریه بهینگی	۱۱
۱.۲ مقدمه	۱۱
۲.۲ درون‌داد و برون‌داد	۱۲
۳.۲ زایشگر و گزینه‌ها	۱۲
۴.۲ ارزیاب	۱۳
۵.۲ محدودیت‌ها	۱۳
۶.۲ نظریه فهرست و واژگان	۱۵
۷.۲ بهینگی و برون‌داد	۱۵
۸.۲ تابلو بهینگی	۱۷
۹.۲ انواع تحلیل	۱۸
۱۰.۲ انواع سلسله‌مراتب	۲۰
۱۱.۲ فرضیه غنای پایه	۲۰
۱۲.۲ نحوه دسترسی محدودیت‌های پایایی و نشاننداری به درون‌داد و برون‌داد	۲۱
۱۳.۲ هم‌نواپی	۲۱
۱۴.۲ جایگشت	۲۳
۱۵.۲ رده‌شناسی فاکتوریل یا کوپسن	۲۴
۱۶.۲ رده‌شناسی فاکتوریل	۲۴

۱۷.۲	قضیه هجای بهینه	۲۵
۱۸.۲	گونگونگی آزاد	۲۷
۱۹.۲	ضرورت ظهور بی نشان	۲۹
۳۱	فصل سوم: آشنایی با نظام آوایی زبان‌ها	
۳۱	۱.۳ مقدمه	
۳۱	۲.۳ نظام آوایی زبان فارسی	
۳۳	۳.۳ نظام آوایی زبان عربی	
۳۴	۴.۳ نظام آوایی زبان ترکی	
۳۶	۵.۳ نظام آوایی زبان فرانسه	
۳۷	۶.۳ نظام آوایی زبان روسی	
۳۹	فصل چهارم: تحلیل داده‌ها	
۳۹	۱.۴ مقدمه	
۳۹	۲.۴ انطباق وامواژه‌های زبان عربی	
۷۴	۳.۴ انطباق وامواژه‌های زبان ترکی	
۸۹	۴.۴ انطباق وامواژه‌های زبان فرانسه	
۱۱۷	۵.۴ انطباق وامواژه‌های زبان روسی	
۱۲۹	فصل پنجم: یافته‌ها	
۱۲۹	۱.۵ مقدمه	
۱۲۹	۲.۵ فرایندهای واجی مؤثر در انطباق وامواژه‌ها	
۱۲۹	۳.۵ فرایند جایگزینی	
۱۳۳	۴.۵ فرایند حذف	
۱۳۵	۵.۵ فرایند درج	
۱۳۶	۶.۵ هماهنگی واکه‌ای	
۱۳۸	۷.۵ نظام آوایی زبان فارسی و واکه مرکب	
۱۳۸	۸.۵ نظام آوایی زبان فارسی و همخوان‌های دارای تولید دومین	
۱۴۱	منابع	
۱۴۷	واژه‌نامه فارسی - انگلیسی	
۱۴۹	واژه‌نامه انگلیسی - فارسی	
۱۵۱	پوست	

پیش گفتار

قرض‌گیری روندی است که طی آن یک زبان یا گویش برخی از عناصر زبانی را از زبان یا گویش دیگر می‌گیرد و در خود جای می‌دهد. از آن‌جا که واژه‌هایی ثابت‌ترین بخش هر زبان است، معمول‌ترین نوع تبادل میان زبان‌ها محسوب می‌شوند. یک واقعیت مهم درباره قرض‌گیری آن است که واژه‌های قرضی، با نظام واجی (یا صوتی) زبان قرض‌گیرنده همگون یا منطبق می‌شوند. انطباق وام‌واژه‌ها مدت‌هاست توجه آواشناسان را به خود جلب کرده است. در این کتاب چگونگی رفتار نظام آوایی زبان فارسی در انطباق وام‌واژه‌های چهار زبان عربی، ترکی، فرانسه و روسی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. تحلیل‌ها در چارچوب نظریه بهینگی پرینس و اسمولنسکی (۲۰۰۳) ارائه شده و در آوانگاری داده‌ها از الفبای آوانگار بین‌المللی (IPA) استفاده شده است. تحلیل‌های بهینگی این کتاب تمامی فرایندهای واجی رخ داده در هر تابلو به منظور دستیابی به برون‌داد بهینه را به‌طور کامل معرفی می‌کند و فقط به معرفی و تحلیل یک فرایند واجی نمی‌پردازد. این اثر، حاصل نتایج به‌دست آمده از رساله دکتری افتخارسادات هاشمی به راهنمایی دکتر عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا و مشاوره دکتر فردوس آفاگل‌زاده و دکتر ارسلان گلفام است که در دانشگاه تربیت مدرس از آن دفاع شده است.

شایسته است از دکتر مریلا احمدی و دکتر آبتین گلکار، اعضای هیئت علمی گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، به دلیل راهنمایی‌هایشان در شناخت خط روسی و تلفظ صحیح وام‌واژه‌های روسی، قدردانی نمایم. همچنین از دکتر گلناز مدرسی، عضو هیئت علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، که در داوری رساله نظرات ارزشمندی را برای بهتر شدن تحلیل‌ها ارائه کردند و دکتر رحمتی، عضو هیئت علمی گروه فرانسه دانشگاه تربیت مدرس و دکتر عامری عضو هیئت علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس که ما را در ارائه بهتر تحلیل‌ها و آوانگاری وام‌واژه‌های فرانسه و عربی یاری رساندند سپاسگزاری نمایم. همچنین از جناب آقای احمد خندان، مدیر انتشارات کتاب بهار، به دلیل نگاه علمی و استقبالشان در

چاپ کتاب تقدیر و تشکر می‌کنیم. بی‌شک این کتاب عاری از خطا و کاستی نیست و نویسندگان خود را مسئول آن می‌دانند و مشتاقانه پیشنهادها و نظرات صاحب‌نظران ارجمند در حوزه زبان‌شناسی و واج‌شناسی را می‌پذیرند.

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا

افتخارسادات هاشمی

eftekhsadathashemi@gmail.com

تابستان ۱۳۹۶

فصل اول

آشنایی با کلیات

۱.۱ مقدمه

گویشوران هر زبان به دلایل مختلفی از زبان‌های دیگر وام‌گیری (قرض‌گیری) می‌کنند. در اغلب موارد، گویشوران زبان وام‌گیرنده با پدیده یا شینی وارداتی مواجه می‌شوند و واژه مناسبی برای نامیدن پدیده یا شیء ندارند، بنابراین، واژه مربوط به آن را هم وام می‌گیرند. گاه به دلایل اجتماعی و روان‌شناختی، سخن‌گویان یک زبان با آن‌که واژه‌ای بومی برای مفهوم مورد نظر دارند، همچنان از وام‌واژه‌ها استفاده می‌کنند (شقاقی ۱۳۸۶: ۱۳۲). از آن‌جا که واژگان هر زبان، بی‌ثبات‌ترین بخش هر زبان هستند معمول‌ترین نوع تبادل میان زبان‌هاست (آرلاتو ۱۳۸۴: ۲۰۹). یک واقعیت مهم درباره وام‌گیری آن است که واژه‌های قرضی، با نظام واجی (یا صوتی) زبان قرض‌گیرنده همگون یا منطبق می‌شوند (آرلاتو ۱۳۸۴: ۲۱۱). بدین ترتیب می‌توان گفت وام‌گیری واژه‌ها پدیده‌ای معمول و اجتناب‌ناپذیر است که با روابط جوامع مختلف زبانی ارتباط تنگاتنگی دارد. واژه‌ای که از زبان دیگر به زبان وارد شود را وام‌واژه گویند (شقاقی ۱۳۸۶: ۱۲۷). زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنا نیست و در ادوار مختلف تاریخی در سایه تحولات سیاسی، اجتماعی و علمی قرض‌گیری داشته است و همچنین واژه‌هایی را نیز به زبان‌های دیگر قرض داده‌است. داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که زبان فارسی، همانند دیگر زبان‌ها، هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم وام‌گیری می‌کند. وام‌گیری ممکن است منجر به روند تغییراتی در زبان وام‌گیرنده شود، مانند تغییر در تعداد واج‌های زبان یا پذیرش واجی جدید. این وام‌گیری‌ها ممکن است منجر به بروز تغییر در املاء، نحو و معناشناسی زبان وام‌گیرنده شوند. این تغییرات از روند یکسانی برخوردار نیستند؛ بعضی زودگذرند و به سرعت جای خود را به صورت‌های دیگر یا عناصر بومی قدیمی داده و زبان را ترک می‌کنند. از سوی دیگر، بعضی دیگر از صورت‌های وام گرفته شده ممکن است دستخوش تغییرات متنوعی از جمله تغییر آوایی — واجی شوند و

به‌صورتی درآیند که شباهتی به گونه موجود در زبان وام‌دهنده نداشته باشند (همان، ۱۳۲). معمولاً وام‌واژه‌ها در زبان وام‌گیرنده، پس از تطبیق با نظام آوایی آن زبان، در میان افراد جامعه زبانی به یک صورت تلفظ می‌شوند (صفوی ۱۳۸۰: ۱۲۸).

۲.۱ وام‌گیری زبانی و زبان فارسی

وام‌گیری زبانی روندی است که طی آن یک زبان یا گویش برخی از عناصر زبانی را از زبان یا گویش دیگر می‌گیرد و در خود جای می‌دهد (آرلاتو ۱۳۸۴: ۲۰۹). هارتمن و استورک (۱۹۷۲: ۲۹) معتقدند وام‌گیری زبانی عبارت است از رواج عناصری از یک زبان یا گویش در زبان یا گویشی دیگر از طریق برخورد یا تقلید. انطباق وام‌واژه‌ها مدت‌هاست توجه آواشناسان را به‌خود جلب کرده‌است. داده‌ها نشان داده‌است که واژه‌های قرضی در زبان فارسی اصلاحات نظام‌مندی را از این زبان پذیرفته‌اند تا خود را با نظام آوایی و واجی زبان فارسی منطبق نمایند. هایمن (۱۹۷۰)، پارادیس و لکاریت (۱۹۹۷) و جیکوبز و گوسن هاوین (۲۰۰۰) بیان داشته‌اند که در ارزیابی شباهت میان درون‌داد (واژه در زبان مبدأ) و برون‌داد (واژه در زبان مقصد) شاهد تغییرات آوایی و/یا واجی در زبان میزبان بوده‌اند. این امر خود مؤید اعمال پدیده انطباق در زبان مقصد است. کنستویچ (۲۰۰۳) می‌گوید «در انطباق یک واژه بیگانه، گویشور با چندین انتخاب مواجه است، بعضی از انتخاب‌ها برای حفظ صورت واژه در زبان اصلی و بعضی برای قربانی شدن صورت اصلی واژه و انطباق هرچه بیشتر آن با نظام واجی - آوایی زبان وام‌گیرنده است». از نظر او انطباق وام‌واژه شامل واج‌شناسی زبان وام‌گیرنده و شباهت آوایی - واجی بین اجزای زبان وام‌دهنده و وام‌گیرنده است (همان). آن‌چه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد چگونگی انطباق واجی و آوایی وام‌واژه‌ها در زبان فارسی است. زبان فارسی، در طی دوران مختلف، بنابه دلایل سیاسی، اجتماعی و علمی تحت تأثیر زبان‌های گوناگونی از جمله زبان‌های عربی، فرانسه، انگلیسی، ترکی، روسی و مغولی قرار داشته است، اگرچه با تورقی در فرهنگ‌های زبان فارسی شاهد وام‌واژه‌هایی از زبان‌های یونانی، ایتالیایی، اسپانیایی، ارمنی، لاتین، سانسکریت، هندی، سریانی، آرامی و... نیز هستیم. در این پژوهش چگونگی انطباق واجی وام‌واژه‌های عربی، ترکی، فرانسه و روسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۱ روش کار

داده‌های این پژوهش وام‌واژه‌های زبان‌های عربی، ترکی، فرانسه و روسی است که از فرهنگ فارسی معین (۱۳۷۶) جمع‌آوری شده‌اند. تعداد مدخل‌های وام‌واژه‌های عربی و بعد از آن فرانسه در این فرهنگ حجم بالایی از واژه‌ها را به‌خود اختصاص می‌دهند، زیرا صورت‌های مشتق‌شده و ترکیبی بسیاری از واژه‌ها نیز به‌عنوان مدخل جداگانه‌ای معرفی شده‌اند. از سوی دیگر، برای مثال نه حرف الفبای فارسی در فرهنگ‌های این زبان عربی هستند و بالطبع بالغ بر ۹۵٪ از مدخل‌های آن‌ها عربی یا ترکیب‌هایی با واژه‌های عربی می‌باشند. از آن‌جا که هدف این پژوهش بررسی انطباق واجی وام‌واژه‌هاست، از صورت‌های مشتق‌شده و

ترکیبی که از لحاظ فرایندهای واجی تکراری می‌باشند، صرف‌نظر شده‌است. ۴۵۹۴ وام‌واژه مجموعه مورد بررسی پژوهش حاضر است که ۲۳۸۸ واژه عربی، ۴۹۴ واژه ترکی، ۱۳۹۳ واژه فرانسه و ۵۹ واژه روسی را شامل می‌شود. برای گردآوری داده‌ها، جدولی طراحی شد که در آن پنج ستون تعریف شده‌است، ستون‌ها به‌ترتیب شامل صورت نوشتاری فارسی وام‌واژه، آوانگاری واژه به زبان مبدأ، آوانگاری واژه به زبان مقصد، املای واژه در زبان مبدأ و فرایندهای واجی رخ داده شده، بودند. آوانگاری واژه‌ها در زبان مقصد براساس فرهنگ فارسی معین (۱۳۷۶) و فرهنگ بزرگ سخن (۱۳۸۴) به الفبای آوانگار بین‌المللی (IPA) انجام شد. به‌منظور آوانگاری واژه‌ها در زبان مبدأ، برای هر زبان از فرهنگ‌های همان زبان استفاده شده‌است. شایان ذکر است که در انتخاب فرهنگ‌ها تلاش شد تا فرهنگ‌های معتبر هر زبان انتخاب شوند و از سوی دیگر بیش از یک فرهنگ برای هر زبان مورد استفاده قرار گرفت تا نسبت به صحت تلفظ واژه و آوانگاری آن به الفبای (IPA) اطمینان حاصل شود.

فرهنگ‌های مورد استفاده برای زبان عربی: فرهنگ معاصر زبان عربی (۱۳۸۱) منطبق بر فرهنگ عربی - انگلیسی هانسور، فرهنگ جدید عربی - فارسی (۱۳۶۶) ترجمه «منجدالطلاب»، فرهنگ معاصر زبان عربی - فارسی (۱۳۸۴) و فرهنگ دوسویه عربی - فرانسه اسمیل (۲۰۰۹).

فرهنگ‌های زبان ترکی: فرهنگ دو سویه ترکی - فارسی گلکاریان (۱۳۸۱)، فرهنگ دوسویه ترکی - انگلیسی Red House (۲۰۰۰)، فرهنگ ترکی - فارسی KANAR (۲۰۱۲)، فرهنگ سه‌زبانه ترکی - فارسی - انگلیسی (۱۳۷۸) و فرهنگ ترکی - فارسی سنگلاخ (۱۳۷۴).

فرهنگ‌های زبان فرانسه: *le Robert* (پیر وارود ۱۹۹۷)، فرهنگ دوسویه فرانسه - انگلیسی *Berlitz* (۲۰۰۹)، فرهنگ دو سویه فرانسه - انگلیسی *Oxford* (۲۰۱۱ و ۲۰۱۴) و همچنین فرهنگ آنلاین وب سایت www.cnrtl.fr که شامل سه فرهنگ *Robert*، *Litre* و *Larus* است.

فرهنگ‌های زبان روسی: کلیف سوا (کلیف سوا ۱۳۸۴) و فرهنگ روسی - انگلیسی *New Russian Lexicon* (۲۰۰۲).

لازم به ذکر است که برخی از فرهنگ‌های مذکور از جمله فرهنگ‌های قدیمی محسوب می‌شوند که علت انتخاب آن‌ها این بود که برخی از وام‌واژه‌های موجود در زبان فارسی در دوره‌های گذشته این زبان‌ها کاربرد داشته و در فرهنگ‌های معاصر زبان مبدأ مداخلی برای آن‌ها تعریف نشده؛ در نتیجه، ناگزیر از فرهنگ‌های قدیمی‌تر بهره گرفته شده‌است. آوانگاری واژه‌ها در هر دو زبان، مبدأ و مقصد، براساس الفبای آوانگاری بین‌المللی انجام شده‌است. پس از آن فرایندهای واجی مؤثر و دخیل در انطباق تلفظ وام‌واژه در زبان فارسی استخراج شده‌است. فرایندهای واجی هر زبان به‌صورت جداگانه و به تفصیل مورد بررسی قرار گرفتند و برای هر فرایند از زبان مورد بررسی حداکثر ده وام‌واژه به‌عنوان نمونه در متن تحقیق قرار دارد و از آن میان یک نمونه در تابلو بهینگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نتیجه ۵۲۸ واژه از ۴۵۹۴ واژه مورد بررسی در متن اثر قابل مشاهده است. به‌منظور محاسبه فراوانی فرایندهای واجی دخیل در انطباق وام‌واژه‌ها، آمار

به‌دست آمده در هر فرایند را در محیط اکسل قرار داده و نمودار میله‌ای و پای فرایندها ترسیم می‌شود. در خصوص تحلیل‌های بهینگی در این پژوهش ذکر یک نکته لازم است و آن اینکه تمامی فرایندهای واجی رخ داده در هر انطباق مورد بررسی برای هر تابلو به‌منظور دستیابی به برون‌داد بهینه به‌طور کامل و جامع معرفی شده‌اند، درحالی‌که در بسیاری از تحلیل‌های بهینگی که تاکنون در قالب کتاب یا مقاله به چاپ رسیده‌اند برای هر تابلو تنها یک فرایند واجی (فرایند مورد بحث) مورد تحلیل قرار گرفته است و سایر فرایندهای رخ داده نادیده گرفته شده‌اند. به‌منظور انجام این پژوهش هفتاد و نه اثر، مشتمل بر کتاب، مقاله و پایان‌نامه مورد بازبینی و مطالعه قرار گرفت که از آن میان ۴۱ اثر متعلق به پژوهشگران ایرانی و ۳۸ اثر متعلق به پژوهشگران غیرایرانی بود. از میان آثار مورد مطالعه که مطالعات اندکی متعلق به پژوهشگران ایرانی است که به مطالعه چگونگی انطباق واجی و ام‌واژه‌های موجود در زبان فارسی پرداخته‌اند — که تنها هفت مقاله انطباق واجی و ام‌واژه‌ها را در چارچوب بهینگی بررسی کرده‌اند و در راستای پژوهش حاضر هستند و یک پایان‌نامه در چارچوب نظریه واج‌شناسی زایشی به این موضوع پرداخته است. — سایر پژوهش‌ها به‌گونه‌ای مجموعه‌ای از ام‌واژه‌ها را گردآوری کرده‌اند و در خصوص زمان ورود آن‌ها به فارسی و یا تغییرات معنایی و ام‌واژه‌ها، از دیدگاه تاریخی، معنایی مطالعاتی انجام داده‌اند. از سوی دیگر، به‌استثنای فرهنگ‌ها که رسالتی جز گردآوری مجموعه واژه‌ها را بر دوش ندارند سایر مطالعات انجام‌شده در این حوزه به مطالعه ام‌واژه‌های یک زبان در فارسی پرداخته‌اند و همان‌طور که اشاره شد بررسی و تحلیل آوایی از دگرگونی‌های آوایی ارانه نکرده‌اند. این در حالی است که چگونگی انطباق واجی و ام‌واژه‌ها در زبان‌های دیگر از لحاظ واجی، دستوری و معناشناسی توسط محققان در کشورهای دیگر در خصوص ام‌واژه‌های مورد بررسی قرار گرفته است و این امر ارزش مطالعه چگونگی انطباق واج‌شناختی و ام‌واژه‌های فارسی را در چارچوب یک نظریه زبانی تأیید و تأکید می‌نماید.

داده‌های این پژوهش در چارچوب نظریه بهینگی پرنس و اسمولنسکی^۱ (۱۹۹۳) تحلیل می‌شوند. نظریه بهینگی بر پایه این فرضیه است که صورت‌های زبانی ناشی از تعامل میان محدودیت‌های متقابل و متضاد هستند. این نظریه در روند تکوین دستور زایشی توسط آلن پرنس و پل اسمولنسکی (۱۹۹۳) پدید آمد و سپس توسط پرنس و جان مک‌کارتی گسترش یافت. نسخه مورد استفاده از نظریه بهینگی در این پژوهش منطق با نسخه اصلی یا استاندارد نظریه بهینگی است، همان که پرنس و اسمولنسکی (۲۰۰۴/۱۹۹۳) مطرح کردند. مک‌کارتی (۲۰۰۸) در کتاب خود از آن بهره برده و تأکید می‌کند که این نسخه تنها از لحاظ نام‌گذاری محدودیت‌های وفاداری با نسخه استاندارد متفاوت است، ازاین‌رو آن را جدا از نسخه استاندارد نمی‌داند. همان‌طور که در زیرفصل (۲. ۱۷) بیان خواهد شد، پرنس و اسمولنسکی محدودیت ضد حذف را FILL و محدودیت ضد درج را PARSE می‌نامند، درحالی‌که مک‌کارتی آن‌ها را به ترتیب DEP و MAX می‌نامد.

۴.۱ آشنایی با اصطلاحات پُرکاربرد در کتاب

به منظور سهولت در مطالعه برخی از پرکاربردترین اصطلاحات این پژوهش در این بخش معرفی می‌شوند.

۱.۴.۱ انطباق^۱

فرایندی است که براساس آن، وام‌واژه‌ها توسط گویشوران زبان وام‌گیرنده پذیرفته می‌شوند (کار ۲۰۰۸: ۹۳). وام‌واژه‌ها معمولاً تحت فرایند انطباق قرار می‌گیرند تا محدودیت‌های ساختاری زبان وام‌گیرنده را بپذیرند.

۲.۴.۱ انطباق واجی^۲

آرلاتو (۱۳۸۴: ۲۱۱) انطباق واجی را با عنوان بومی‌سازی معرفی می‌کند و آن را این‌طور تعریف می‌کند: «واژه‌های قرصی، با نظام واجی زبان قرض‌گیرنده همگون یا منطبق می‌شوند.» اصواتی که در زبان قرض‌دهنده وجود دارد اما در زبان قرض‌گیرنده به کار نمی‌رود، یا حذف می‌گردد یا با اصوات مشابه بومی جایگزین می‌شود (همان). این انطباق تمامی وجوه ساختار واجی را فرا می‌گیرد، محدودیت‌های زنجیری، زبر زنجیری، واج‌آرایی و واژواجی زبان وام‌گیرنده را (کنگ ۲۰۱۰^۳). میجر (۲۰۰۱) معتقد است که از آن‌جا که وام‌واژه‌ها ممکن است صداهایی داشته باشند که در زبان وام‌گیرنده موجود نباشد، بنابراین تحت فرایند انطباق و یا جایگزینی قرار می‌گیرند تا واحد واژگانی، بیشتر بومی به نظر برسد (میجر ۲۰۰۱^۴).

۳.۴.۱ جایگزینی^۵

جایگزینی اصطلاحی است که به فرایندی اشاره می‌کند که در آن یک قطعه با قطعه دیگری در محل خاصی از ساختار تعویض می‌شود (کریستال ۱۹۹۷). فرایند جایگزینی در حوزه واج‌شناسی زمانی رخ می‌دهد که یک واج، همخوان یا واکه، به واج دیگری که از لحاظ یک مشخصه با یکدیگر متفاوت هستند جایگزین شود.

۴.۴.۱ حذف^۶

حذف فرایندی است که در آن یک عنصر از جایگاه «آغازی»، «میانی» و یا «پایانی» کلمه حذف می‌شود (کامپوزیا ۱۳۸۵: ۲۶۷). گاهی یک واحد زنجیری تحت شرایط خاصی از زنجیره گفتار حذف می‌شود. دو نوع حذف در زبان وجود دارد که تمیز آن‌ها از یکدیگر ضروری است، یکی حذف تاریخی است که بر اثر آن به مرور زمان و طی مراحل تاریخی مختلف، یک واحد زنجیری به پیروی از قواعد تاریخی - زبانی خاصی، از زنجیره‌های آوایی مشخص حذف می‌شود.

دومین نوع فرایند حذف ساختاری است که تابع قواعد نظام صوتی زبان است که حاکم بر ترکیب آواها در زنجیره گفتار می‌باشند؛ به این تعبیر که هرگاه در ترکیب آواها با هم نوعی همنشینی بین واحدهای زنجیری به‌وجود آید که یا خلاف نظام صوتی زبان باشد و یا براساس طبیعت آوایی زبان، ثقیل به‌نظر برسد، برای رفع این اشکال یک واحد آوایی از زنجیره گفتار حذف می‌شود (حق‌شناس ۱۳۵۶: ۱۵۷-۱۵۸). بی‌جن‌خان (۱۳۸۴: ۲۰۴) نیز حذف را از جمله فرایندهای واجی رایج در زبان‌ها می‌داند که در آن یک یا چند مشخصه آوایی در یک موضع مشخص حذف می‌شوند. روج (۱۹۸۳: ۱۴۲) نیز حذف را ناپدید شدن یک واج/صدا تحت شرایط خاصی می‌داند.

۱.۴.۵ خوشه همخوان^۱ آغازی

وجود دو یا سه همخوان در ابتدای هجا یا واژه را خوشه همخوان آغازی گویند. خوشه‌های همخوانی در همه زبان‌ها مجاز نیستند. حتی اگر زبانی خوشه همخوانی را مجاز بداند، ممکن است در همه جایگاه‌ها به آن اجازه ظهور ندهد و محدودیت‌هایی را نیز بر همنشینی همخوان‌ها در خوشه اعمال کند.

۱.۴.۶ شکستن خوشه همخوان آغازی

با ورود واژه‌های دارای خوشه همخوان آغازی به زبانی مانند زبان فارسی که خوشه‌های همخوان آغازی در آنها مجاز نیست، فارسی‌زبانان به‌منظور حذف خوشه‌های همخوانی که معمولاً با دو همخوان آغاز می‌شود، با استفاده از فرایند درج واکه، خوشه را شکسته و با هجای زبان خود منطبق می‌کنند. صادقی (۱۳۸۰: ۲۰-۲۳) صورت‌های تحول خوشه همخوانی آغازی را در دوره‌های مختلف زبان فارسی بررسی کرده و به دو نوع درج واکه جهت شکستن خوشه همخوان آغازی اشاره می‌کند: درج واکه آغازی^۲ و درج واکه میانی^۳. بدین ترتیب، با شکستن خوشه همخوانی آغازی، یک هجا به واژه افزوده می‌شود. فرایند اضافه شدن واکه یکی از روش‌های اصلی شکستن خوشه‌های همخوانی در واج‌شناسی وام‌واژه‌ها در زبان‌هایی است که ساخت هجایی آنها خوشه همخوانی آغازی را مجاز نمی‌داند. بسیاری از زبان‌های جهان همچون کره‌ای، ژاپنی و پنجابی تنها از اضافه کردن واکه میانی و برخی دیگر نظیر گونه زبان عربی در عراق تنها از فرایند اضافه کردن واکه آغازی برای حل مشکل تلفظ خوشه‌های همخوانی وام‌واژه‌ها استفاده می‌کنند. در اصطلاح این گونه زبان‌ها «الگوی متقارن افزایش واکه» دارند. در مقابل زبان‌هایی همچون فارسی، گونه عربی در مصر و هندی که در آنها نوع فرایند افزایش واکه وابسته به ویژگی‌های واجی اعضای خوشه همخوانی است، «الگوی نامتقارن افزایش واکه» دارند (مدرسی ۱۳۸۴، به نقل از فلیچ هکر ۲۰۰۱).

فرایند اضافه شدن واکه آغازی و واکه میانی در زبان فارسی سابقه تاریخی دارد و در فارسی معاصر که

دیگر فاقد خوشه‌های همخوانی آغازی است، همچنان واژه‌هایی را که وارد این زبان می‌شوند، تغییر می‌دهند. مدرسی (۱۳۸۴) و اسماعیلی (۱۳۹۲: ۹۳) با ارائه مثال‌هایی تاریخی از اضافه شدن واکه آغازی یا میانی و حذف همخوان آغازی در زبان فارسی نتیجه می‌گیرند که: خوشه همخوانی (انسدادی + رسا) در آغاز هجا با الگوی وام واژه‌ها هماهنگی دارد و با افزایش واکه میانی شکسته شده است. در مواردی که خوشه آغازی از (صفیری بی‌واک + انسدادی) تشکیل شده، این خوشه گاهی با افزایش واکه آغازی و گاهی با افزایش واکه میانی شکسته شده است. آن‌ها (همان) همچنین علت نامتقارن بودن الگوی شکستن خوشه همخوان آغازی در فارسی را وجود ویژگی‌های تولیدی و آکوستیکی متفاوت در بافت واجی واژه می‌دانند.

۱.۴.۷ درج^۱

«درج» مفهوم کلی است که یک عنصر ساختاری جدید در یک زنجیره اضافه می‌شود (کامبوزیا ۱۳۸۵: ۲۷۳). در واج‌شناسی یک عنصر واجی در یک واژه درج می‌شود (همان، ۲۷۴). حق‌شناس (۱۳۵۶: ۱۵۹) فرایند درج را به این صورت تعریف می‌کند «گاهی تحت شرایطی یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه می‌شود، این فرایند را اضافه (درج) می‌خوانیم. هرگاه در ترکیب آواها با هم نوعی همنشینی بین واحدهای زبانی به‌وجود آید که یا براساس طبیعت آوایی زبان ثقیل باشد و یا برخلاف نظام صوتی زبان محسوب شود، برای رفع این اشکال یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه می‌کنند.» بی‌جن‌خان (۱۳۸۴: ۲۰۵) نیز درج را دلالت بر فرایندی می‌داند که در آن بنابر ملاحظات ساختاری یک یا چند مشخصه آوایی به عناصر واجی زبان افزوده می‌شوند.

۱.۴.۸ واکه مرکب^۲

قرار گرفتن دو واکه را هنگامی می‌توان یک واکه مرکب دانست که دو جزء آن بر روی هم، نقش یک واحد را ایفاء کنند؛ یعنی جزء دوم از جزء اول آن، قابل تجزیه و جداسازی نباشد (نمره ۱۳۷۸: ۸۴). توالی واکه‌های متفاوت تنها و تنها در یک هجا می‌تواند واکه مرکب شناخته شود مانند واژه‌های انگلیسی high و how که به ترتیب، به شکل [au] و [ai] شناخته شده‌اند (کتفورد ۱۹۸۸: ۱۱۵). واکه اول نقطه آغازین یا عنصر اولیه و واکه دوم نقطه پایان یا عنصر ثانویه است. دو عنصر نباید به‌عنوان دو واکه جداگانه تلقی شوند (همان، ۱۱۶). کامبوزیا و داوری (۱۳۹۱) بیان می‌دارند که زبان فارسی عاری از هرگونه واکه مرکب است. آن‌ها با ارائه شواهد تصریفی، واجی و تاریخی محدودیت وجود واکه مرکب در زبان فارسی را اثبات می‌کنند. در زبان فارسی باستان، دو واکه مرکب /au/ و /ai/ وجود داشته که در فارسی نو دیگر اثری از واکه مرکب وجود ندارد (کامبوزیا و داوری ۱۳۹۱، به نقل از هوشمان ۱۳۸۶: ۱۰۴).

۱.۴.۹ همگونی^۱

فرایندی است که در آن یک واحد واجی به واحد واجی دیگر، در یک یا چند مشخصه شبیه می‌شود (کامبوزیا ۱۳۸۵: ۱۶۷).

حق‌شناس در این مورد می‌نویسد «گاهی یک همخوان در همنشینی با همخوان دیگری پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن مختصات آوایی همخوان مجاور را به خود می‌پذیرد. این فرایند را که شاید یکی از جهانی‌های آوایی باشد همگونی گویند. چنانچه این فرایند موجب شود که یکی از همخوان‌ها عیناً به صورت همخوان دیگر درآید، آن را همگونی کامل گویند. چنان‌که در ترکیب "از" [ʔaz] و "سر" [sar] و تلفظ آن به صورت [ʔassar] همگونی کامل حاصل شده است. اما، اگر همگونی موجب همانندی کامل دو همخوان نگردد، آن را همگونی ناقص می‌گویند. مثلاً در کلمه "شنبه" [šambe] که همخوان [m] تنها از نظر جایگاه با [b] همگون شده است ولی از نظر حالت خیشومی مانده است همگونی ناقص روی داده است» (حق‌شناس ۱۳۵۶: ۱۵۲). فرض کنیم می‌دانیم واج‌های یک واژه خاص زمانی که منفرد تلفظ می‌شود، چگونه خواهد بود. اگر متوجه شدیم یک واج، در اثر مجاور قرار گرفتن یک واج دیگر که به کلمه دیگری تعلق دارد، متفاوت ادا شد، این را همگونی می‌خوانیم» (روح ۱۹۸۳: ۱۳۸). «همگونی یکی از پرکاربردترین فرایندهای واجی در زبان‌های بشری است. در همگونی دو یا چند واحد واجی برحسب یک یا چند مشخصه آوایی به همدیگر شبیه می‌شوند. این الگو در تمامی مواضع واجی اعم از هجا و تکواژ و مرز بین آن‌ها اتفاق می‌افتد و باعث شباهت بیشتر واحدهای واجی زبان به یکدیگر می‌شود، چه این واحدها در مجاورت یکدیگر و چه در فاصله از یکدیگر باشند. بر طبق این تعریف، هماهنگی واکه‌ای نوعی همگونی به حساب می‌آید» (بی‌جن خان ۱۳۸۴: ۱۹۴).

۱.۴.۱۰ ناهمگونی^۲

ناهمگونی آوایی زمانی است که آوایی نسبت به آوای مجاور شباهت تولیدی خود را از دست می‌دهد. فرایند ناهمگونی می‌تواند بین دو همخوان و یا دو واکه رخ دهد (کرستال ۲۰۰۳: ۱۴۴ و آرلاتو ۱۳۸۴: ۱۰۰). «فرایند ناهمگونی عکس فرایند همگونی است. در این فرایند یک همخوان که در یک یا چند مختصه آوایی با همخوان همنشین خود مشترک است، در ترکیب آن مختصه‌های مشترک را از دست می‌دهد و مختصه‌های آوایی دیگری را به دست می‌آورد» (حق‌شناس ۱۳۵۶: ۱۵۵ و بی‌جن خان ۱۳۸۴: ۱۹۸).

۱.۴.۱۱ همخوان با تولید دومین^۳

تولید دومین اضافه شدن یک ناسودگی به یکی از تولیدهای همخوانی است، به عبارت دیگر به تولید اولین همخوان یک ویژگی افزوده می‌شود (کتفورد ۱۹۹۲: ۱۰۴). چهار نوع تولید دومین در زبان‌های دنیا مشاهده

شده است: لبی شدگی^۱، کامی شدگی^۲، نرمکامی شدگی^۳، حلقی شدگی^۴ که به ترتیب با نمادهای [ʲ], [ʷ], [ʳ], [ʕ] که در بالای همخوان درج می شوند نشان داده می شوند (همان، ۱۰۵). آن چه در خصوص تولید دومین حایز اهمیت است این نکته است که هر زبان فقط می تواند از یکی از این چهار نوع تولید دومین بهره بگیرد و امکان وجود بیش از یک نوع آن در هیچ زبانی وجود ندارد (همان، ۹۱). نرمکامی شدگی اصطلاحی است که به افراشته شدن قسمت عقب بدنه زبان به سمت نرمکام در همخوان های تیغه ای دلالت دارد. در واقع این افراستگی در همخوانی است که محل تولید آن نرمکام نمی باشد (حق شناس ۱۳۷۶: ۱۱۳). کت فورد (۱۹۹۲: ۱۰۹ - ۱۱۰) نیز مشخصه نرمکامی شدگی را تنگ شدن حلق و افراستگی بدنه زبان می داند که در خصوص همخوان های تیغه ای رخ می دهد نرمکامی شدگی (اطباق) یا حلقی شدگی از نوع تولید دومین است که در زبان عربی دیده می شود. خدابخشی (۱۳۸۶: ۹۶) (به نقل از سیبویه ۱۳۱۷ق: ۱۰۸؛ الدانی ۱۴۰۷ق: ۱۰۸؛ قرطبی ۱۴۰۷ق: ۱۶۶) نرمکامی شدگی را اصطلاحی می داند که به افراشته شدن قسمت عقب بدنه زبان به سمت نرمکام در همخوان های تیغه ای دلالت دارد.

فصل دوم

آشنایی با نظریه بهینگی

۱.۲ مقدمه

در این فصل چارچوب نظری تحقیق با بیان دقیق مفاهیم و جزئیات آن توصیف و معرفی خواهد شد. نظریه بهینگی نخستین بار در سال ۱۹۹۳ میلادی در دست‌نوشته‌ای از پرنس^۱ و اسمولنسکی^۲ با عنوان «نظریه بهینگی: تعامل محدودیت‌ها در دستور زایشی»^۳ ارائه شد. این اثر در سال ۲۰۰۴ میلادی به چاپ رسید. رویکرد این نظریه در همه حوزه‌های زبان محدودیت مناسب و بیشترین تأثیر آن بر واج‌شناسی زایشی بوده است (راسخ مهند ۱۳۸۳: ۴۲). نظریه بهینگی تکوین دستور زایشی است، دستوری که متمرکز بر توصیف ساختاری و بر پایه تحقیقات تجربی رده‌شناسی زبان و فراگیری زبان اول در جستجوی یافتن اصول جهانی است. با این حال، تفاوت‌های بنیادی میان این نظریه و مدل زایشی وجود دارد. تفاوت‌های بین زبانی در چارچوب زایشی از نوع تنوعات پارامتریک است در حالی که در بهینگی محدودیت‌های جهانی قابل تخطی هستند. به علاوه آن که نظریه بهینگی روساخت محور است؛ به این معنی که محدودیت‌های خوش ساختی فقط صورت‌های روساختی را ارزیابی می‌کند. از سوی دیگر، این نظریه اشتقاق را حذف و مواری‌گری^۴ را جایگزین آن می‌کند. در نتیجه می‌توان گفت که نظریه بهینگی نظریه بازنمایی‌ها نیست بلکه نظریه تعامل اصول دستوری است، به بیان دیگر مسئله بازنمایی‌ها در این نظریه قائم به تعامل محدودیت‌هاست (کگر ۱۹۹۹: ۶: Xi-xiii). نظریه بهینگی دو پیش فرض اساسی نظریه‌های اخیر را در خود ندارد. نخست این که دستور می‌تواند به صورت اختصاصی و محدود قواعد توصیف ساختاری و تغییر ساختاری را به وسیله زایشگر که جایگزین آن است تبیین و تصریح کند. زایشگر برای هر درون‌داد دامنه

1. Allen Prince

2. Paul Smolensky

3. optimality theory; constraint interaction in generative grammar

4. constraint

5. parallelism

6. Rene Kager

وسیعی از گزینه‌ها را ارائه می‌کند. نکته مهم این جاست که برون‌داد موردنظر در میان همین دامنه قرار دارد و نظام محدودیت‌های دستور برای یافتن آن بسیار قوی عمل می‌کند. دوم این‌که، این نظریه ایده‌ی زبان خاص بودن محدودیت‌ها را رد می‌کند. نظریه بر جهانی بودن محدودیت‌ها تصریح دارد و معتقد است که این محدودیت‌ها دارای سلسله‌مراتبی هستند که با یکدیگر در رقابت هستند (مک‌کارتی^۱ ۲۰۰۴: ۶). مک‌کارتی (۲۰۰۲: ۱۰) انگاره کلی نظریه بهینگی را به صورت زیر نشان می‌دهد. این بخش‌ها به علاوه مجموعه محدودیت‌های همگانی (CON) ساخت دستوری نظریه بهینگی را تشکیل می‌دهند:

درون‌داد ← زایشگر ← گزینه‌ها ← ارزیاب ← برون‌داد

انگاره کلی نظریه بهینگی

در ادامه هریک از مفاهیم نظریه به صورت جداگانه توصیف و معرفی خواهند شد.

۲.۲ درون‌داد و برون‌داد

بازنمایی‌های زیرساختی و روساختی مرسوم در زایشی، در نظریه بهینگی با عنوان درون‌داد^۲ و برون‌داد^۳ به کار می‌روند و به دلیل مفروض نبودن سطوح میانی، انطباق درون‌داد و برون‌داد مستقیم و بی‌واسطه است (مک‌کارتی ۲۰۰۲: ۸-۹).

۳.۲ زایشگر و گزینه‌ها

زایشگر^۴ شامل اطلاعاتی در مورد مقدمات بازنمایی و روابط غیرقابل ابطال جهانی است. زایشگر با دریافت درون‌داد مجموعه‌ای از گزینه^۵‌ها را برای درون‌داد ارائه می‌کند که به صورت هماهنگ ارزیابی می‌شوند (مک‌کارتی ۲۰۰۴: ۵). زایشگر سازوکار صوری و ریاضی گونه جهانی است که وظیفه آن ایجاد ارتباط بین درون‌داد و برون‌داد است. به این صورت که از یک درون‌داد دریافتی خاص تعدادی گزینه برون‌دادی رقیب را زایش می‌کند. به لحاظ نظری تعداد گزینه‌ها می‌تواند بی‌نهایت باشد، گزینه‌هایی که زایشگر تولید می‌کند دقیقاً به ساخت واجی درون‌داد وابسته‌اند و در اثر فرایندهای واجی جهانی از قبیل همگونی، ناهمگونی، حذف، درج و تکرار به وجود می‌آیند (مک‌کارتی ۲۰۰۲: ۸-۱۰). در نظریه‌های پیشین زبانی توصیف ساختاری و تغییر ساختاری قاعده‌ها به صورت بسته و محدود مشخص می‌شدند؛ درحالی‌که در نظریه بهینگی، زایشگر جایگزین این ایده شده است. زایشگر برای هر درون‌داد معین، فضای بزرگی از تحلیل‌های گزینه‌ای را تعریف می‌کند که گزینه بهینه که به عنوان برون‌داد تعریف می‌شود در جایی در همین فضا قرار دارد و نظام محدودیت‌ها از قدرت کافی در تشخیص آن برخوردار است (پرینس و اسمولنسکی ۲۰۰۴: ۷).

1. John J. McCarthy

2. input

3. output

4. generator

5. candidate